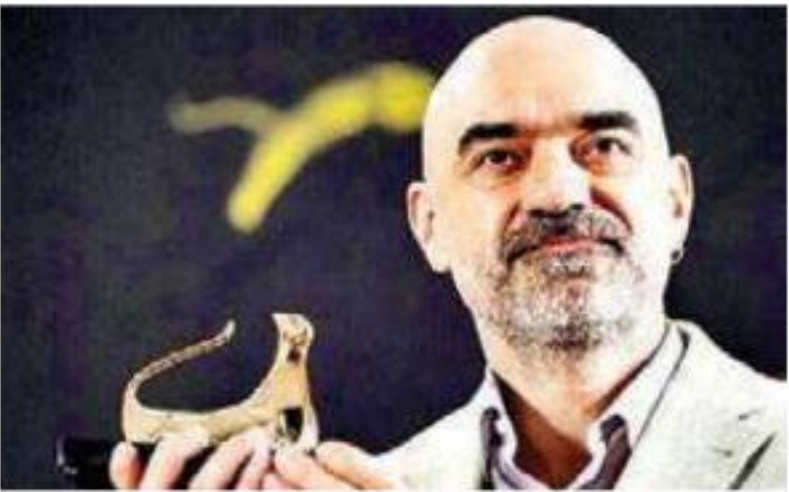


پلنگ طلایی لوکارنو در دستان کارگردان رومانیایی



در هفتاد و نهمین جشنواره فیلم لوکارنو «تو به اینجا تعلق نداری» ساخته فلورین شربان، پلنگ طلایی جشنواره را از آن خود کرد و موزیکا بلوچی و کیم مین‌هی جوایز بازیگری را بردند. هونگ سانگ‌سو، فیلم‌ساز برجسته، نیز جایزه دیگری را به کارنامه خود اضافه کرد، درحالی‌که خارج از بخش مسابقه اصلی، فیلم آرژانتینی «توهم یک تابستان ابدی» برنده جایزه بزرگی شد. «تو به اینجا تعلق نداری» ساخته فلورین شربان، کارگردان رومانیایی، مطالعه‌ای غم‌انگیز درباره نژادپرستی در این کشور، علاوه بر کسب جایزه اصلی ۷۵هزار فرانکی، برای بازی بازیگر جوانش، تئودور بوتاتسکو، تقدیر ویژه شد.

این فیلم که داستان یک پزشک محترم را تصویر می‌کند که متوجه می‌شود پسرش مرتکب قتل با انگیزه نژادپرستانه شده است، همچنین نشان سینمای اروپا را از آن خود کرد. «تو به اینجا تعلق نداری» بازگشتی به جشنواره‌های بین‌المللی برای شربان است، که با اولین فیلم بلندش «اگر بخواهم سوت بزنم، سوت می‌زنم» در سال ۲۰۱۰ جایزه بزرگ بخش مسابقه برلیناله را از آن خود کرد. امسال ۱۷ فیلم بلند در این جشنواره سونیسی، از جمله آثار جدید هونگ سانگ‌سو، دنیس کوت، آن اورن و نلسون یو با هم رقابت کردند. جوایز این جشنواره توسط هیات داورانی به ریاست فیلم‌ساز بلژیکی، فابریس دو وولز، اهدا شد. دیگر اعضای هیات داوران شامل بازیگران پائولینا کاسیا و لولیتا شاما، تهیه‌کننده مارکو آنسی و مدیر اجرایی آرت فرانسی سینما، اولیویه پره بودند.

هونگ سانگ‌سو، کارگردان پیشکسوت کره‌ای، ۱۱ سال پس از آنکه با کمدی «همین الان، بعدش اشتباه» جایزه پلنگ طلایی را از آن خود کرد، با سسی و پنجمین فیلم بلندش، «جایی برای گذاشتن چشم‌هایم ندارم»، به عنوان بهترین کارگردان انتخاب شد. این فیلم تلخ و شیرین درباره تجدید دیدار یک خانواده است و فیلمی کلاسیک و دلنشین خوانده شده است.

کیم مین‌هی، شریک و الهام‌بخش این کارگردان، یکی دیگر از برندگان همیشگی جشنواره بود که جایزه بهترین بازیگری را بدون توجه به جنسیت برای نقش آفرینی تاثیرگذارش در همین فیلم دریافت کرد. او نقش یک فیلم‌ساز آماتور که آخر هفته‌ای ناخواشیند را با مادرش می‌گذراند، بازی کرده است.

وی دو سال پیش همین جایزه لوکارنو را برای بازی در فیلم «کتار رودخانه» هونگ دریافت کرده بود. کیم این افتخار را به صورت مشترک با موزیکا بلوچی، سناتور ایتالیایی، برای نقش مکملش در فیلم «کتیچه» ساخته جیوانی تورنتو-پچی که درباره بلوغ است، دریافت کرد. از خاویر برزورن، بازیگر کانادایی، نیز برای بازی در فیلم «خوشونت هیچ‌کس» ساخته کوت، تقدیر ویژه شد. در بخش رقابت بین‌الملل، مائوس فارپاس و انوک کارالیو، کارگردانان برزیلی، جایزه ویژه هیات داوران را برای فیلم مهیج «ساحل رودخانه» دریافت کردند که درباره پیوند بین یک نظام‌فشی و یک ماهیگیر در حاشیه‌های پوشیده از درختان است.

خارج از بخش مسابقه اصلی، اولین فیلم کارگردانی‌شده توسط عکاس آرژانتینی-آمریکایی، آلساندرا سانگینیتی، با عنوان «توهم یک تابستان ابدی» برنده بزرگ این بخش بود و جایزه برتر بخش فرعی «فیلم‌سازان زمان حال» جشنواره و همچنین جایزه بهترین فیلم بلند اول را از آن خود کرد. این مستند که در طول ۲۵ سال فیلم‌برداری شده است، دو دختر عمومی صمیمی را در منطقه روستایی پامپاس آرژانتین از کودکی تا بزرگسالی دنبال می‌کند و یکی از فیلم‌های انتقادی و جنجالی جشنواره بود.

بناتریس گیبسون، کارگردان تازه‌کار بریتانیایی، برای مستند ترکیبی خود با نام «در شب» که با حمایت بی‌بی‌سی ساخته شده، به عنوان بهترین کارگردان نوظهور انتخاب شد.

هفتاد و نهمین جشنواره فیلم لوکارنو با نمایش باشکوه کمدی «همه چیز درباره کورین» ساخته مارک فیتوسی، کارگردان فرانسوی، با بازی ایزابل هویو و ساندربن کیمبرلین در میدان گرانده، به پایان رسید.

«اسطوره، حماسه و فرهنگ» در کتاب‌فروشی‌ها

کتاب «اسطوره، حماسه و فرهنگ، نوشته ابوالقاسم اسماعیل‌پور،مطلق منتشر شد. کتاب «اسطوره، حماسه و فرهنگ» حاصل سال‌ها پژوهش و آموزش نگارنده در قالب درس‌گفتارها در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی است. افزون بر مباحث اسطوره و اسطوره‌شناسی، موضوعاتی چون حماسه و حماسه‌شناسی، نماد و نمادشناسی، بررسی و تحلیل حماسه ملی ایران، مباحث دینی اساطیری چون

کیش گنوسی، مانوی و مباحث فرهنگ ایران باستان آمده است.

در معرفی این کتاب آمده است: مباحث سه‌گانه اسطوره، حماسه و فرهنگ با تعاریف اسطوره و رویکردهای اسطوره‌شناختی در این کتاب به صورت تخصصی مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس به مباحث مهمی همچون اسطوره‌های ایرانی، هندی، بین‌النهرینی و مضامین مشترک اساطیری جهان پرداخته می‌شود تا نقش اسطوره در خلق آثار کهن و مدرن مورد ارزیابی قرار گیرد.

پرسش اصلی اثر این است که چرا اسطوره وجود دارد و فواید اسطوره‌شناسی چیست؟ اسطوره جزو نیازهای انسان از آغاز تمدن بوده و هنوز هم در آغاز هزاره سوم اسطوره وجود دارد و بخشی از باورها، ادبیات و هنرهای انسان عصر پسامدرن را تشکیل می‌دهد. حماسه و حماسه‌شناسی در شمار مهم‌ترین گفتارهای ادبی و اساطیری است. بررسی و تحلیل حماسه و رمز و رمزشناسی در روزگاران باستان و عصر جدید به ما می‌آموزد که حماسه چه جایگاه بلندی در ادبیات و فرهنگ دارد و شناخت حماسه ملی ایران تا چه مایه ضروری است و کاوش در ابعاد اساطیری شاهنامه ما را به درک عمیق‌تر آن باری می‌رساند.

این کتاب در ۵۲۹صفحه وزیری، شمارگان ۵۰۰ نسخه و با قیمت یک‌میلیون و سیصد هزار تومان توسط انتشارات سروش منتشر شده است.

انتقاد علی نصیریان از اوضاع فرهنگی:

بگذارید جوان‌ها کار کنند

علی نصیریان، بازیگر پیشکسوت تئاتر و سینمای ایران، مهمان برنامه «هم‌کلام» شد و در گفت‌وگویی مفصل و صمیمانه، با جزئیات کامل از مسیر پر پیچ‌وخم زندگی‌اش سخن گفت. او در این گفت‌وگو که از یکی از بلندفروم‌های آنلاین پخش شد، نه‌تنها از تأثیر غیر مستقیم خانواده و روشنفکران هم‌دوره‌اش سخن گفت، بلکه با نگاهی نقادانه به وضعیت امروز سینما و تئاتر ایران، از کاهش وسواس در تولیدات هنری، مانع‌تراشی نهاده‌ها و اجاره دادن سالن‌های دولتی گلایه و تأکید کرد که بازیگری پس از کار معدن، سخت‌ترین حرفه جهان است.



گفت: بعد از ۲۸ مرداد و بگیروبندها، آقای انتظامی رفته بود آلمان. اونجا هم کار می‌کرد، هم شب‌ها کلاس می‌رفت، وقتی برگشت، آمد پیش من و گفت می‌خواهم با گروه شما کار کنم. وقتی شروع کردم کار کردن با ایشان، دیدم بسیار آدم با استعدادی است. او افزود: در تلویزیون که تازه تأسیس شده بود، گروه‌های مختلفی تشکیل شد و ما هر ماه یک نمایش یک‌برده‌ای را به صورت زنده و سیاه‌وسفید اجرا می‌کردیم، این همکاری باعث شد من و آقای انتظامی خیلی خوب با هم کار کنیم.

نصیریان در درباره آشنایی با داریوش مهرجویی گفت: سال ۴۷، آقای ساعدی آمد پشت صحنه تلویزیون و یک آقایابی را به ما معرفی کرد به نام داریوش مهرجویی که می‌خواست «گاو» را بسازد. ما بدون هیچ توقع و قراردادی رفتم شروع کردیم به کار کردن. او افزود: این اولین بار بود که جلوی

را با قصه‌هایی مثل رستم و سهراب و سیاوش به صورت نشر درمی‌آوردند و شب‌ها در قهوه‌خانه نقل می‌گفتند.

سهراب کشی یکی از آن مراسم‌هایی بود که قیامت می‌شد و خیلی با مزه بود.

این هنرمند گفت: پدرم از این لحاظ کمک می‌کرد که من را به قهوه‌خانه می‌برد. آن موقع قهوه‌خانه‌ها مثل الان نبودند، باغچه داشتند، بزرگ بودند، ایوان داشتند. حتی یک گوشه‌شان خیمه‌شب‌بازی بود. خیلی جای تفریح و سرگرمی بود، مثل فرهنگسراهای الان.

نصیریان در همین بخش توصیه کرد: فرهنگسراها را در اختیار جوان‌هایی که گروه تشکیل می‌دهند و می‌خواهند کار کنند بگذارند تا بروند تمرین کنند. اینها استعداد های خلاق بسیار خوبی هستند که باید جا داشته باشند.

علی نصیریان درباره نحوه آشنایی با عزت‌الله انتظامی

نمایشگاه «این صورت باقی» افتتاح شد

روایتی از ۲۰ سال عکاسی

بعد، روایت تاریخی و پیوند عکاسی با سایر هنرها را در دستور کار قرار داد.

از مهم‌ترین بخش‌های نمایشگاه، رونمایی از ۱۶۰عکس نفیس قرن نوزدهم مربوط به دوره قاجار، ژاین و عثمانی است که پیش از ورود رسمی عکاسی به ایران تهیه شده و نوعی دیپلماتی دیداری را روایت می‌کنند.

نمایشگاه «این صورت باقی» تگاهی به تاریخ عکاسی از نخستین تجربه‌های ثبت‌تصویر تا جایگاه عکاسی به‌عنوان رسانه‌ای مستقل در هنر مدرن و معاصر دارد. بخش‌هایی چون آستانه ورود به سومین

دوربین سینما قرار می‌گرفتم. آقای مهرجویی خیلی چیزها به من یاد داد؛ اینکه مقابل دوربین چه کار کنم، لنز چیست، فاصله چیست، نور چیست، نوع کار و عمل را به من یاد داد. خیلی آزش ممنونم، در اولین و آخرین کارش من با او بودم.

نصیریان با اشاره به تأثیر این فیلم گفت: آقای گلستان و مهرجویی و کیمیایی یک فرم در سینما شروع کردند. «گاو» نقد غیرمتعارف بود که فکر می‌کردم تماشاگر ندارد. فریدون فرخ‌زاد آمد گفت من جلوی در، بلیت باره می‌کنم که مردم به هوای من بلیت بخرند و ببینند فیلم را ببینند، اما بعد فیلم در جشنواره‌های خارجی موفق و ارزشیابی درستی شد. من از کار کردن با مهرجویی خیلی یاد گرفتم. نصیریان در باره فیلم‌های بعدی خود گفت: در دهه ۴۰، سینمای ما بهتر شد. بعد از انقلاب، کارهای تلویزیونی مهمی مثل «هزارستان» و «سربداران» ساخته شدند که روی سلیقه و شعور مردم تأثیر گذاشتند. همچنین آقای جعفری جوزانی با «شیر سنگی» و بعدها تقوایی با «ناخدا خورشید» کارهای خوبی ساختند. او از سختی‌های تولید «شیر سنگی» گفت: آن زمان برای اسکان عوامل فیلم، هتل نبود، ما در چادرهای جنگی خوابیده بودیم. یک شب دیدم موش‌ها زیر بدنم حرکت می‌کنند. با بدبختی و بیچارگی فیلم درست کردیم. اما ارزشش را داشت، چون زندگی مردم این مملکت را نشان می‌داد. شخصیت‌هایی مثل «ش» اسلام» در «شیر سنگی» یا «دلال» در «ناخدا خورشید»، همه مردم این مملکت بودند. من آنها را می‌شناختم. هم با به میدان گذاشته بودم، هم کتاب خوانده بودم. پس از این خاطره، او تأکید کرد: هنرمند باید باسواد باشد، بفهمد چه کار دارد می‌کند. بروند دنبالش، بنویسد، بخواند، پیدا کند. نصیریان با انتقاد از وضعیت فعلی گفت: اوایل انقلاب، تلویزیون و سینما با وسواس و دقت کار می‌کردند. رفته‌رفته همه چیز شل شد. الان چیز خلاقانه مهمی در فیلم‌ها نمی‌بینم. در تلویزیون، آقای فتحی چند سریال خوب ساخت مثل «هویه ممنوعه» که برگرفته از «شیر صنان» بود، یا آقای میرباقری «امام علی(ع)» را ساخت. اما متأسفانه رفته‌رفته این آثار کم‌رنگ شدند. او افزود: آنچه الان در سینما می‌گذرد، حیف است. خلاقیت و هنر مربوط به انسان است، اما دولت‌ها و نهاده‌ها باید بسترسازی کنند. متأسفانه الان بیشتر مانع‌تراشی، ایرادگیری و بهانه‌جویی می‌کنند. این به نظر به حال خلاقیت مضر است.

نصیریان با اشاره به اجاره دادن سالن‌های تئاتر گفت: شنیدم که سالن تئاتر تالار وحدت را به گروه‌ها اجرا می‌دهند، در واقع سالتی را که مربوط به بخش عمومی مملکت است اجاره می‌دهند. این ضد حمایت است، یعنی امکانات را گرفته‌اند و نمی‌گذارند کار کنند. بگذارید جوان‌ها ببینند کار کنند. استعداد های درجه یک داریم.



عباسی در پایان صحبت‌هایش با اشاره به ورود به تمدن تصویری، سوا لی را مطرح کرد که در عصر تصویرهای بدون عکاس، آیا عکاسی همچنان قطب‌نمای فرهنگ دیداری ما خواهد بود؟

نمایشگاه «این صورت باقی» تا پایان شهریور ۱۴۰۵، هم‌روزه از ساعت ۱۰ تا ۱۸ میزبان علاقه‌مندان خواهد بود.

ویراستاری که ناشر با او همکاری می‌کرد، را بزرگ، با زبان ژاپنی آشنایی داشت. ویراستار نیز ترجمه را مقایله کرد و نکتاتی را یادآور شد که به صلاحدید خودم در متن اعمال کردم.» او در پاسخ به این پرسش که برخی مدعی شده‌اند ترجمه کتاب مورا کامی در ایران تنها ترجمه فصل نخست آن است که در مجله نیویورکر در سال ۲۰۲۴ منتشر شده است، گفت: «نسخه نهایی کتاب از چهار متن پیوسته شکل گرفته که بیش‌تر در چهار شماره متفاوت مجله ادبی شینجو منتشر شده بودند و در نسخه کتاب به یک‌رمان بلند در چهار فصل تبدیل شده‌اند. نیویورکر در سال ۲۰۲۴ فقط ترجمه انگلیسی داستانی مستقل با عنوان «کاهو» را منتشر کرده بود؛ متنی در حدود ۵۰۰۰ کلمه که بعدها مبنای فصل نخست رمان قرار گرفت. متن انگلیسی موجود حدود ۷۵۰۰۰ کلمه است؛ نسخه ژاپنی‌ای که من تهیه کردم حدود۱۸۷ هزار نویسه ژاپنی است. البته ۱۸۷ هزار نویسه به معنای ۱۸۷ هزار کلمه نیست. در زبان ژاپنی واژه‌ها با فاصله از هم جدا نمی‌شوند و برای سنجش حجم متن، شمارش نویسه‌ها معیار دقیق‌تری است. حتما باید در نظر بگیریم که تعداد کلمات بر اساس ساختارهای زبانی متفاوت است.»

بارسقیان در نهایت ترجمه خود را بر اساس تلفیقی از نسخه اصلی ژاپنی، نسخه ترجمه‌شده انگلیسی با کمک هوش مصنوعی و کمک ویراستار آشنایه زبان ژاپنی عنوان کرد و می‌گوید: هوش مصنوعی اشتباهاتی داشت. برای اعتبارسنجی بیشتر، چندین بار با هوش‌های مصنوعی مختلف مورد مشکوک را بررسی کردم.»

او درباره اینکه پس‌چرا در صفحه شناسنامه کتاب عنوان شده ترجمه بر اساس نسخه انگلیسی است، گفت: «این اطلاعات کتاب‌شناختی قبیاحت، اما قاعدتا گویای فرآیند ترجمه من نیست. متن ژاپنی در تمام مراحل مرجع مقایله و با زبانی من بود و خوب این را نمی‌شود در بخش اطلاعات فیا ثبت کرد.»

بارسقیان در پاسخ به این پرسش که به نظر شما استفاده از هوش مصنوعی برای ترجمه کتاب اعتباری به برند ناشر یا مترجم نمی‌بخشد، گفت: «به‌نظم مساله اصلی استفاده با عدم استفاده از هوش مصنوعی نیست؛ مساله شفافیت و مسوولیت مترجم است. در این پروژه، هوش مصنوعی برای من ابزار مقایله و کمک به فهم متن بود. نه مترجم نهایی. هرگز خروجی آن را مستقل و قابل اعتماد فرض نکردم. هر جا به مورد مشکوکی رسیدم، دوباره به متن ژاپنی برگشتم و با ابزارهای مختلف بررسی‌اش کردم. شخصاً برای من مسوولیت پذیری انسانی در درجه نخست اهمیت است. وگرنه ابزار قرار نیست جای انسان را بگیرد، بلکه کمک اوست. در این مورد خاص، ابزار در خدمت مقایله، کشف اختلاف‌ها و بازبینی موارد مشکوک به کمک آمد.»

او گفت: «باید این نکته را هم ذکر کنم که من دو سال پیش کتاب دیگری از مورا کامی را ترجمه کرده بودم. او از نویسندگان مورد علاقه من است. من هم بخش و هم سبک ادبی‌اش را به عنوان یک مترجم و نویسنده می‌شناختم و این کمک بسیاری به من در استفاده از هوش مصنوعی کرد. در نهایت ترجمه من از لحظه شروع ترجمه تا تحویل نسخه اولیه به ناشر ۲۰ روز طول کشید و میانگین متوسط روزانه ۷ تا ۶ ساعت فعالیت می‌کردم.»

به نظر می‌رسد تمامی نسخه‌های منتشرشده از کتاب مورا کامی از نسخه ترجمه‌شده هوش مصنوعی که در گوگل موجود بوده استفاده کرده‌اند. موضوعی که به دلیل اشتباهات رایج هوش مصنوعی، شاید نگران‌کننده باشد. البته استفاده از هوش مصنوعی در دنیا نیز به سرعت در حال گسترش است.

فرن عکاسی، پرتره، مستند اجتماعی، منظره‌نگاری، گذر از عینیت گرایی، تداوم لحظه، دوره‌های عکاسی و گفت‌وگوی عکاسی با سایر رسانه‌ها از محورهای این نمایشگاه است. همچنین به‌نقش هوش مصنوعی در عکاسی پرداخته شده و کارگاه‌های تخصصی مانند چاپ‌های آلترناتیو و ساخت دوربین بین‌هول نیز در طول برگزاری نمایشگاه برگزار خواهد شد.

اسماعیل عباسی، هنرمند پیشکسوت عکاس و پژوهشگر، به‌عنوان سخنران ویژه، ضمن اشاره به دیو ست سالگی اختراع عکاسی و نخستین تصویر پایدار توسط ژوزف نیسفور نیس، گفت: عکاسی تحولی بنیادین در درک انسان از واقعیت، زمان و حافظه بود و به ما آموخت چگونه جهان را ببینیم. او تأکید کرد: عکاسی ناپدیدنی‌ها را دیدنی کرد. جهان را به هکده جهانی تبدیل کرد و تصاویر خشن جنگ را برخلاف نقاشی‌های از آستانه بی‌پرده به نمایش گذاشت اما تاریخ از این تصاویر عبرت نگرفت.

حاشیه‌های ترجمه کتاب جدید مورا کامی در ایران



«قلعه حیوانات» جرج اورول یا ۱۶ ترجمه، «ملت عشق» با ۱۱ ترجمه و...، بازار امروز نشر ایران از ناشران فرصت‌طلب و پخته‌خوار اشباع شده است. به این ترتیب که وقتی مترجمی سراغ کتابی از یک نویسنده می‌رود، به محض اطلاع ناشران به همان کتاب یا کارهای دیگر آن نویسنده هجوم می‌آورند و این هجوم وقتی بارزتری می‌شود که نویسنده‌ای برنده یک جایزه جهانی معتبر شود.

آثار بارسقیان، مترجم کتاب مورا کامی در انتشارات میلکان، این اثر را با عنوان «قصه کاهو» منتشر کرده است. او درباره نحوه ترجمه و منبع کار خود می‌گوید: «روند ترجمه من زندگی پیچیده بود. از این کتاب یک نسخه الکترونیک رسمی به زبان ژاپنی همان‌جا با نسخه فیزیک

آن عرضه شد و در کنار آن، ترجمه‌ای غیررسمی به زبان انگلیسی نیز در اینترنت موجود بود. بر پایه نشانه‌های موجود می‌توان گفت این ترجمه با کمک هوش مصنوعی انجام شده است، که به‌ویژه از رو که نام مترجم ندارد.»

او توضیح داد: «سومین یا چهارمین روز پس از انتشار کتاب به زبان ژاپنی، من از آمازون ژاپن موفق شدم با داشورا وی با خرید گیفت کارت ی

نسخه کیندل را با تخفیفی قابل توجه به قیمت ۸۰۰ین تهیه کنم. همه سوابق آن هم موجود است.»

او گفت: «صفحه به صفحه نسخه کیندل ژاپنی را با دقت و وسواس اسکرین‌شات گرفتم و به کمک ابزار هوش مصنوعی با نسخه انگلیسی مقایله کردم. هوش مصنوعی صفحه به صفحه تفاوت‌ها را مشخص کرد؛ خطاهای معنایی، تفاوت‌ها در ضمیر و زاویه دید، پاراگراف‌بندی و... اما منکر شد و من ساعت‌ها وقت صرف کردم تا فهم به‌درکی از متن برای ترجمه دست پیدا کنم.»

این مترجم توضیح داد: «در نهایت کار را به ناشر سپردم. ناشر از من پرسید بر چه مبنایی ترجمه کردی و من ماجرا را شرح دادم، اما ناشر گفت که این کفایت نمی‌کند. از فضا